

تحلیل پژوهش‌های عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در ایران

علی خاکساری - استاد تمام برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
امیرحسین معصومی‌فر* - کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی
مریم آسایش - کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

چکیده

تصمیم‌گیران شهری برای اتکا به نتایج تحقیقات پژوهشگران و تصمیم‌گیری لازم در خصوص رفع مسئله نابرابری فضایی به اعمال نگاهی جامع، تجزیه مدون و بازترکیب روشمند محتوای تحقیقات ارائه‌شده تاکنون نیازمندند. در این راستا پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر از نوع توسعه‌ای، با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا در تجزیه و فراتحلیل در ترکیب، در صدد یافتن پاسخ برای این پرسش اصلی است که بر مبنای تجزیه و تحلیل مجموعه تحقیقات فارسی‌زبان منتشرشده در نشریات علمی و پژوهشی عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در ایران از چه وضعیتی برخوردار است؟ برای این منظور، شانزده مقاله منتخب در حوزه عدالت فضایی شهری بررسی شده و در قالب هشت مؤلفه و ۲۸ شاخص تجزیه و کدگذاری شده، سپس خروجی تجزیه بر مبنای فراوانی کدها تحلیل و بازترکیب شده است. نتایج حاصل از این فرایند، بر عدم تعادل فضایی روشن در شهرهای ایران گواهی می‌دهند. اما فقدان جامعیت در سنجش همه عناصر عدالت فضایی، عدم بررسی عناصر به‌روز در این حوزه، عدم استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، و نهایتاً فقدان خلاقیت و عاملیت منحصربه‌فرد در تهیه و تنظیم مقالات و تقلید از یک چارچوب پژوهشی ثابت در اکثریت آن‌ها استناد به نتایج مقالات را با تشکیک مواجه کرده است. در پایان نیز پیشنهاد شده ساختار مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش عدالت فضایی در هر دو ساحت کمی و کیفی و همچنین مطالعات تطبیقی با سایر شهرهای جهان به‌ویژه از حیث شیوه تجزیه و ترکیب داده‌ها مورد تأکید پژوهشگران قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ایران، تحلیل محتوا، شهر، عدالت فضایی، فراتحلیل.

مقدمه

برابری جوهره عدالت و به معنای داشتن حق همسان افراد در استفاده از فرصت‌های مادی و معنوی موجود در جامعه برای شکوفایی توان‌ها و استعدادها (هاروی، ۱۳۷۹: ۱۸). امروزه، بسیاری از بحران‌ها در سطوح ملی و محلی به دلیل نادیده‌انگاشتن حق برابری افراد، گروه‌های در اقلیت و به طور کلی به دلیل همگنی ناعادلانه افراد در برخورداری از حقوقی است که باید از توزیع برابر و متوزانی برخوردار باشند که ماحصل طبیعی چنین وضعیتی نارضایتی آحاد جامعه از فرصت‌های موجود در فضای زیست به‌ویژه در شهرها خواهد بود. در همین راستا، عدالت فضایی در شهرها عمدتاً بر بُعد تقسیمی عدالت با توجه به تفاوت‌های مکانی، حفظ تعادل میان تعاملات میان بشر و محیط پیرامون وی، برخورداری یکسان شهروندان از فرصت‌های زیست در شهر و کاهش آثار نامطلوب ناشی از عدم توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات موجود در شهر تأکید دارد. از آنجا که هر شهری دارای ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود است، فعالیت‌های بارگذاری شده بر پهنه شهر باید متناسب با ظرفیت آن به‌منظور بهره‌برداری عاقلانه و بهینه از امکانات شهر باشد و این امر جز با شناخت فضای شهری و بررسی تجربیاتی که پیش‌تر در توسعه شهرها و برقراری عدالت فضایی حاصل از آن به‌وقوع پیوسته است محقق نخواهد شد.

نقص در نظام توزیع مراکز خدماتی شهری یکی از مهم‌ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرهای ایران در چند دهه اخیر بوده که این امر زمینه‌ساز نابرابری‌های گوناگون میان شهروندان در برخورداری از خدمات شهری شده است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷). نابرابری در توزیع خدمات شهری یکی از این نابرابری‌هاست. الگوی توزیع تراکم مراکز خدمات در شهرها باعث ارزش متفاوت زمین در آن‌ها شده و به جدایی‌گزینی گروه‌های انسانی در شهرها دامن زده است. از این گذشته، بین نابرابری‌های فضایی و توزیع ناعادلانه خدمات و متعاقب آن مشکلات زیست‌محیطی، کیفیت زندگی و کالبدی در سطح شهرها همواره یک رابطه چرخشی وجود دارد که همدیگر را پشتیبانی می‌کنند و در ادامه با رشد جمعیت و گسترش افقی و عمودی شهر را برای تبدیل شدن به محیطی غیرقابل سکونت سوق می‌دهند، به طوری که بسیاری از مشکلات شهرهای امروز را می‌توان در توزیع ناعادلانه خدمات در گذشته شهرها دانست.

در چند دهه اخیر شهرهای ایران رشد فزاینده‌ای را به لحاظ مساحت و جمعیت تجربه کرده‌اند. با افزایش چشم‌گیر مهاجرت از روستاها به شهرها و هم‌نشینی فرهنگ‌های متنوع در مقیاس فضایی کوچک در شهرهای کشور حساسیت‌ها نسبت به نحوه توزیع خدمات در میان شهرنشینان و سنجش عدالت فضایی در توزیع خدمات موجود بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. توزیع نامناسب و نابرابر خدمات در شهرها به علت جاماندن توسعه شهر از رشد شهر در حال حاضر یکی از چالش‌های اساسی مدیریت شهری در پاسخ‌گویی به شهروندان است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). در چنین شرایطی، انتظار شهروندان از مدیریت شهری ایجاد برابری در دستیابی به فرصت‌ها، توزیع مناسب عملکردها و خدمات، و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنان است.

در این راستا تحقیقات متعدد و متنوعی در رابطه با برخورداری از خدمات عمومی، توزیع کاربری‌های عمومی، پراکنش مکانی خدمات شهری، و به طور کلی سنجش عدالت فضایی شهری در شهرهای کشور صورت گرفته است. این تحقیقات اگرچه توانسته‌اند تبیینی نسبتاً روشن از وضعیت عدالت فضایی در شهرهای مورد بررسی ارائه دهند، به جهت فقدان جامعیت مکانی و همچنین نبود یکپارچگی رویه‌ای و محتوایی در شیوه انجام‌دادن آن‌ها تا کنون تصویری دقیق و معتبر از وضعیت عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در سطح قلمروی ملی حاصل نشده است.

از این رو، ارائه تصویری روشن و نسبتاً جامع از برآیند پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه عدالت فضایی با بررسی محتوا و شیوه نگارش پژوهش‌های مربوط به این حوزه در کشور هدف اصلی این مقاله است. به تعبیر دیگر، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که بر مبنای تجزیه و تحلیل مجموعه تحقیقات داخلی منتشر شده در نشریات علمی-پژوهشی، عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در ایران از چه وضعیتی برخوردار است؟ این مقاله قصد دارد پاسخ به این پرسش را از طریق تجزیه و تحلیل چارچوب و رویکردهای نظری، روش‌شناسی، جامعه آماری، متغیرها، شاخص‌ها، ابزارهای مورد استفاده، و نتایج حاصل شده در مجموعه تحقیقات مورد اشاره در چارچوب روش‌شناختی فراتحلیل تبیین نماید.

مبانی نظری

عدالت، عدالت اجتماعی، و عدالت فضایی

عدالت از جمله مفاهیم مورد چالش در مصادیق است و به همین دلیل از مناظر مختلفی مورد تأمل و بررسی قرار گرفته. مطالعه مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی، و عدالت محیطی بر مبنای همین ویژگی از مفهوم عدالت ایجاد شده است. با این حال، در عموم طبقه‌بندی‌های موجود از مفهوم عدالت، آن را به دو گونه عمودی و افقی تقسیم کرده‌اند. عدالت افقی به معنی برخورد برابر با افراد در موقعیت‌های نابرابر مانند توزیع یارانه ماهیانه یا نظایر آن است. اما عدالت عمودی به معنی برخورد نابرابر اما متناسب با افراد در موقعیت‌های نابرابر است. مثلاً، وضع مالیات تصاعدی بر درآمد نوعی عدالت عمودی قلمداد می‌شود (ماسگریو و ماسگریو، ۱۳۷۲) که در آن با افزایش میزان درآمد فرد سهم مالیات وی از درآمدش افزایش می‌یابد. در تقسیم‌بندی دیگری از مفهوم عدالت آن را به دو گونه توزیعی و تخصیصی طبقه‌بندی کرده‌اند که عدالت تخصیصی به معنای تخصیص دادن سهم بیشتری از منابع مشترک به بخش کارآمدتر است و عدالت توزیعی به معنای چگونگی پخش عواید حاصل از یک فعالیت میان صاحبان آن است که در تأمین عوامل تولید نقش داشته‌اند (ماسگریو و ماسگریو، ۱۳۷۲).

در همه انواع عدالت آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته عدالت از جنبه اجتماعی آن است که نظریه‌پردازان آن در یک تقسیم کلی به دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند: نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو و نظریه‌پردازان مکتب اقتصاد سیاسی.

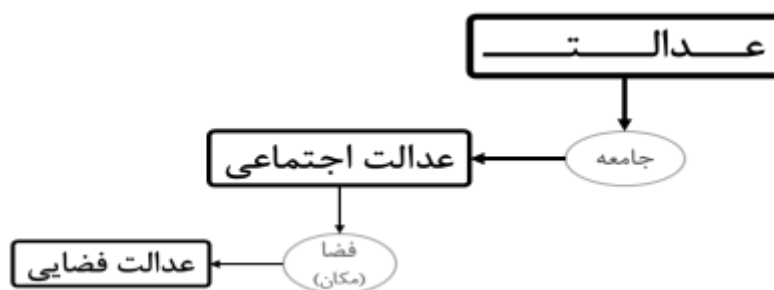
نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو و در رأس آن‌ها رابرت پارک جامعه را به مثابه یک زیست‌بوم می‌انگاشتند و تغییرات آن را متناظر با تغییرات موجود در اقسام اکولوژی‌های موجود در طبیعت تصور می‌کردند. گروه‌های شهری را با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی مانند گونه‌های گیاهی می‌دانستند که با حرکت به سوی تعادل و توازن سعی در طی همه مراحل اکولوژیک در زیستگاه خویش در طول زمان دارند (شارع‌پور، ۱۳۹۱). بر همین مبنای آن‌ها نابرابری‌های اجتماعی را پدیده‌ای طبیعی و کنترل‌ناپذیر می‌دانند. در سوی مقابل نظریات مارکس و انگلس و تحت تأثیر از آن‌ها نظریه‌پردازان متأخری چون دیوید هاروی قرار دارند که وقوع نابرابری‌های اجتماعی را در عوامل دیگری جست‌وجو می‌کنند. به نظر مارکس، افراد بر اساس موقعیت‌های خود در جامعه و وظایف متنوعی که در ساختار تولید یک جامعه عهده‌دار می‌شوند طبقات اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند. مارکس و انگلس فضای شهری را قلمروی می‌دیدند که فرایندهای درهم‌تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز یافته و گرایش جذب سرمایه به مرکز و طبقات اجتماعی به قطبی شدن عینیت و گسترش می‌یابد (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۰۲).

مفاهیم عدالت و عدالت اجتماعی آنجا با یکدیگر پیوند می‌خورند که عدالت اجتماعی با سه مؤلفه نیاز، منفعت عمومی، و استحقاق تعریف می‌شود. نیاز به این معناست که افراد در بهره‌برداری از منابع و امتیازات دارای حقوق مساوی‌اند، ولی

نیاز همه مشابه نیست. منفعت عمومی بدین معناست که افرادی که در ایجاد منافع عمومی برای شهروندان شرکت می‌کنند نسبت به کسانی که منفعت عمومی کمتری برای افراد ایجاد می‌کنند مدعی حق بیشتری هستند. در استحقاق نیز افرادی که دارای شغل‌های سخت و پُرمشقت‌اند نسبت به سایر افراد حق بیشتری مطالبه می‌کنند (رانکین، ۱۹۹۶). در امتداد همین موضوع، دیوید هاروی بر آن است که عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه‌ای باشد که نیازهای جمعیت را پاسخ دهد و تخصیص منطقه‌ای منابع را به گونه‌ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند و در یک کلام عدالت اجتماعی در شهر یعنی «توزیع عدالت از طریقی عادلانه» (هاروی، ۱۳۷۹: ۹۷).

عدالت فضایی طبق ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده به این معناست که باید با افراد ساکن در مکان‌های مختلف شهر به طور برابر رفتار شود (تسو و همکاران، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، بر مبنای آرای هاروی، آنجا که سیاست‌های تخصیص و توزیع منابع در شهرها صورت می‌گیرد عدالت اجتماعی شهری توسط برنامه‌ریزان شهری در حال وقوع است (هاروی، ۱۳۷۹).

بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مفهوم عدالت فضایی حلقه‌ی اصلی است میان عدالت اجتماعی، شهر، و مدیریت شهری. اینکه کم و کیف توزیع و تخصیص منابع در شهر باید بر مبنای چه معیارهایی صورت پذیرد موضوعی است که عمده‌ی صاحب‌نظران بر آن اشتراک نظر دارند. دو معیار قابلیت دسترسی شهروندان به خدمات شهری و چگونگی پراکنش فضایی خدمات شهری بر اساس توزیع جمعیت در شهر معیارهای اصلی سنجش این موضوع‌اند. بر مبنای مباحث طرح‌شده، رابطه‌ی میان سه مفهوم عدالت، عدالت اجتماعی، و عدالت فضایی را می‌توان در قالب شکل ۱ مشاهده کرد.



شکل ۱. رابطه‌ی میان عدالت، عدالت اجتماعی، و عدالت فضایی (مأخذ: مطالعات نگارندگان)

رویکردهای عمده در مطالعه عدالت فضایی

به جهت بدیع‌بودن و چندوجهی‌بودن مفهوم عدالت فضایی، مطالعات متعدد و متنوعی درباره‌ی آن صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته عمده تقسیم کرد:

مطالعات از منظر اقتصادی - اجتماعی با رویکرد تحقق توسعه پایدار

مطالعات از منظر شهری - جغرافیایی، با رویکرد ارتقای کیفیت زندگی

مطالعات عدالت فضایی با رویکرد توسعه پایدار تحقق عدالت فضایی را لازمه دست‌یابی و تأمین توسعه پایدار می‌دانند. توسعه پایدار که امروزه یکی از موضوعات اصلی مورد بحث در محافل توسعه و برنامه‌ریزی است برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است (حسین‌زاده دلیر و ساسان‌پور، ۱۳۸۵: ۸۶). عبارت توسعه پایدار اولین بار در سال ۱۹۷۲ و در کنفرانسی با همین نام در استکهلم سوئد به کار گرفته شد و در سال ۱۹۸۷ در کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه

سازمان ملل در گزارش موسوم به براندتلند و با عنوان «آینده مشترک ما» توسعه پایدار فرایندی تعریف شد که نیازهای فعلی را بدون تخریب توانایی‌های نسل آینده محقق می‌سازد (توسان، ۲۰۰۱). در واقع، در گزارش براندتلند توجه به مقوله برابری بین نسل‌ها، برابری درون نسل‌ها (شامل برابری اجتماعی و جغرافیایی)، حفاظت از محیط طبیعی، استفاده از حداقل منابع تجدیدناپذیر، بقای اقتصادی و تنوع، جامعه خوداتکا، رفاه فردی، و ارضای نیازهای اساسی افراد جامعه مورد تأکید قرار گرفته است (شکویی و موسوی کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

آنچه مسلم می‌نماید این است که پایداری شهری گونه‌ای از توسعه پایدار است که محیط‌ها و فضاهای شهری را دربر می‌گیرد. این مقوله زمانی تحقق خواهد یافت که اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار، به‌عنوان جزئی لاینفک از مطالعات توسعه شهرها، به کار گرفته شود (دراکاکیس، ۲۰۰۸: ۸). به عبارت دیگر، توزیع بهینه خدمات و امکانات به گونه‌ای هدایت شود که نفع همه اقشار و گروه‌های جامعه را تأمین کند و عدالت اجتماعی و فضایی به این معنا که مکان زندگی هر فرد او را از برخورداری از امکانات و خدمات عمومی محروم ندارد تحقق یابد.

مطالعات عدالت فضایی با رویکرد کیفیت زندگی تحقق عدالت فضایی را لازمه ارتقای کیفیت زندگی شهری می‌دانند. دستیابی به عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری جهت تخصیص عادلانه هزینه‌های اجتماعی و برابری استفاده از ظرفیت‌های محلی یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزان و مدیران شهری است. کسانی که باید تحلیل کنند چه کسی، چه چیزی را، کجا و چگونه به دست آورد (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۷۲). عدالت فضایی مفهومی چندبعدی است، ولی دو محور بررسی کیفیت زندگی و چگونگی توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی، و مجازی) محور اصلی مطالعات در این زمینه است (مارتنز، ۲۰۰۹: ۳۹۰). این در حالی است که کارکرد اساسی خدمات عمومی شهری و دسترسی متعادل شهروندان به کاربری‌های مختلف اراضی یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه مدیریت شهری محسوب می‌شود. این مهم با تضمین مساوی بودن فرصت‌ها و توزیع مکانی عملکردها به‌ویژه در ارتباط با جمعیت نقاط مورد مطالعه و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی که نمود عینی و کالبدی آن را می‌توان در کاربری و سرانه‌های مختلف شهری دید نیز از مباحثی است که همواره در نگاه خرد به مسئله عدالت فضایی و مطالعات شهری مورد توجه است. در این ارتباط برخی عدالت فضایی را دسترسی برابر به تسهیلات عمومی تعریف کرده و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است. علاوه بر این، برخی دیگر بر آن‌اند که برای تحلیل عدالت فضایی باید بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی تأکید بیشتری صورت بگیرد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲). جدول ۱، جمع‌بندی و خلاصه‌ای از ویژگی‌های رویکردهای عمده مطالعاتی به عدالت فضایی را بر مبنای رویکرد، منظر، و مبنای طبقه‌بندی معیارها در مطالعات نشان می‌دهد که مجموعه آن‌ها بر چهار عنصر توزیع جمعیت، توزیع خدمات، سرانه خدمات، و دسترسی به خدمات به‌عنوان عناصر اصلی عدالت فضایی تأکید می‌کنند.

جدول ۱. رویکردهای عمده در مطالعه عدالت فضایی (مأخذ: مطالعات نگارندگان)

ردیف	رویکرد کلان مطالعاتی	منظر مطالعاتی	مبنای طبقه‌بندی معیارها
۱	توسعه پایدار	اقتصادی - اجتماعی	معیارهای کالبدی توسعه
۲	کیفیت زندگی	شهری - جغرافیایی	نوع کاربری اراضی
۳	توسعه به‌مثابه کیفیت زندگی	ترکیبی	ترکیبی

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای بوده و به طور کلی در چارچوب روش فراتحلیل^۱ و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای^۲ کمی در تجزیه نمونه‌های پژوهش صورت گرفته است. تحلیل محتوا فنی است که با هدف توصیف دقیق و عینی چیزی که در مورد یک موضوع خاص و در یک زمان و مکان خاص اظهار شده است به کار گرفته می‌شود (لاسول و همکاران، ۱۹۵۲: ۳۴). تحلیل محتوا، به‌عنوان یک ابزار، فنی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها با هدف فراهم‌آوردن شناخت (شریف‌زادگان و ندایی طوسی، ۱۳۹۴).

برای این منظور، پس از کل‌شماری نشریات مرتبط با حوزه‌های جغرافیا و توسعه شهری با درجه علمی- پژوهشی، که در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)^۳ نمایه شده‌اند، ۳۱ نشریه به‌عنوان جامعه آماری نشریات در نظر گرفته شد. سپس، با استفاده از نظر خبرگان و استادان دانشگاهی مرتبط با موضوع، ۱۳ مجله به‌عنوان حجم نمونه مجلات انتخاب شد. همین فرایند در بررسی و انتخاب مقالات در مجلات منتخب صورت گرفت و از میان ۲۸ عنوان مقاله مرتبط با حوزه عدالت فضایی، که حد فاصل سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ منتشر شده‌اند، با نظر خبرگان، ۱۶ مقاله به‌عنوان نمونه‌های نهایی مورد بررسی انتخاب شد.

سپس، ۱۶ مقاله منتخب با استفاده از الگوی تجزیه مقالات (جدول ۲) بررسی و کدگذاری شد. همچنین، به‌منظور تضمین روایی یا اعتبار تحلیل محتوا، داده‌های حاصل از آن در چارچوب روش دیگری به نام فراتحلیل به کار گرفته شد. این اقدام باعث افزایش اعتماد به نتایج هر دو روش می‌شود، زیرا داده‌های ورودی به فراتحلیل از آنجا که قبلاً با نوع دیگری از روش تحقیق تصریح شده‌اند می‌توانند باعث انسجام تحلیلی شوند و در طی تحلیل ثانویه به پُر کردن خلأهای ناشی از نواقص موجود در داده‌ها کمک کنند. به‌منظور تأمین پایایی تحلیل محتوا نیز از تکنیک آزمون مجدد^۴ استفاده شده است. به این صورت که مقالات منتخب بر اساس الگوی تجزیه و ساختار کدگذاری مورد نظر یک بار کدگذاری شده و در نوبت دوم پس از طی یک فاصله زمانی دوهفته‌ای همان مقالات بر مبنای همان الگوی تجزیه و ساختار کدگذاری مجدداً کدگذاری شدند. میزان انطباق دو کدگذاری نیز بر اساس رابطه^۱ (هولستی، ۱۳۹۲) محاسبه شده است:

$$C.R = (2 * M) / (N_1 + N_2)$$

رابطه^۱: پایایی مرکب

در این فرمول، M تعداد تصمیم‌های مربوط به کدگذاری است که بین دو کدگذاری مشترک است. N_1 و N_2 نیز به ترتیب تعداد تصمیم‌های کدگذاری در مرتبه اول و دوم است. تعداد کل واحدهای کدگذاری برای ۱۶ مقاله منتخب با احتساب ۲۸ شاخص مطابق با جدول ۲، ۴۴۸ مورد است. میزان انطباق کدگذاری در نوبت‌های اول و دوم ۴۰۲ مورد بوده است که با این حساب پایایی تجزیه مقالات $(2 * 402 / 448 + 448)$ عدد ۰/۸۹ را نشان می‌دهد که ضریب ایده‌آلی است. بنابراین، سازه طراحی شده برای تجزیه از قابلیت اطمینان بسیار بالایی برخوردار است.

فراتحلیل، به‌عنوان ابزاری مناسب برای ساخت اجماعی منطقی از مطالعات، روش تازه‌ای برای جمع‌بندی و درک مجموعه‌ای از پژوهش‌ها در حوزه‌ای خاص به‌شمار نمی‌آید. هدفی که یک تحقیق فراتحلیل مد نظر دارد جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات متعدد و پراکنده، فاقد مشی واحد و انباشته‌شده، به‌منظور ترکیب، بازآرایی، یکپارچه‌سازی، و دستیابی به یافته‌های جدید است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹). بر این اساس، فراتحلیل روشی است برای حصول

1. Meta Analysis

2. Content Analysis

3. Islamic World Science Citation Center

4. Test-Retest

شناخت از مجموعهٔ منسجم یا غیرمنسجم از مبانی علمی و سازه‌های پژوهشی که واحد تحلیل در آن مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با موضوعی خاص است (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹) که در این تحقیق همان ۱۶ مقاله منتخب می‌باشند. اگرچه فراتحلیل خود روشی برای تجزیهٔ محتوا نیز انگاشته می‌شود، دلیل اصلی استفادهٔ توأمان از روش‌های تحلیل محتوا و فراتحلیل در این تحقیق اولاً تعمق و مذاقهٔ مضاعف در جزئیات محتوای مقالات منتخب و ثانیاً افزایش میزان روایی پژوهش بوده است.

مراحل هفتگانه‌ای برای انجام‌دادن یک فراتحلیل مرسوم است (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۷۴) که کاربست آن‌ها در پژوهش حاضر به این قرار است: مرحلهٔ اول، انتخاب موضوع، اهداف، و تعریف متغیرهای تحقیق که در بخش سؤالات تحقیق با جزئیات مشخص شده‌اند؛ مرحلهٔ دوم، شناسایی، گردآوری، و تلخیص مطالعات بر مبنای موضوع و هدف تحقیق که فرایند انتخاب مقالات و چگونگی تجزیهٔ آن‌ها پیش‌تر توضیح داده شد؛ در مرحلهٔ سوم، بررسی و طبقه‌بندی محتوای منتخب‌شده. ساختار این تجزیه و طبقه‌بندی در جدول ۲ و محتوای آن در بخش یافته‌های تحقیق قابل ملاحظه است. همان‌طور که ذکر شد، به جهت افزایش اعتبار تحقیق برای تجزیهٔ مقالات از روش تحلیل محتوا استفاده شده که متناظر با مرحلهٔ سوم از فراتحلیل است. در مرحلهٔ چهارم، یافته‌های مرحلهٔ قبل بر اساس مقایسهٔ میان مؤلفه‌ها و شاخص‌های گوناگون تجزیه‌بازآرایی و تحلیل می‌شوند. در مرحلهٔ پنجم، نتایج به‌دست‌آمده از مرحلهٔ قبل با یکدیگر ترکیب می‌شود و زمینهٔ نگارش گزارش و نقد نتایج در مراحل ششم و هفتم را فراهم می‌کند. دربارهٔ دو مرحلهٔ آخر به ترتیب در بخش استنباط یافته‌ها و نتیجه‌گیری بحث شده است. در هر یک از مراحل تحقیق، بهره‌گیری از آرای خبرگان راهکاری مکمل و هدایت‌کننده به‌شمار می‌آید که کیفیت و ارزش تحقیق را ضمانت می‌کند (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۲). جدول ۲ مؤلفه‌ها و شاخص‌های تجزیهٔ مقالات را نمایش می‌دهد.

جدول ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های تجزیهٔ مقالات (مأخذ: مطالعات نگارندگان)

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۱	مشخصه	تعداد، نام نویسندگان، نام مجله، نوع مجله، سال انتشار، تعداد صفحات مقاله
۲	روش‌شناسی	نوع پژوهش، هدف پژوهش، فن گردآوری داده، وجود روایی و پایایی، میزان روایی و پایایی
۳	چارچوب تحقیق	فرضیه، سؤال، چارچوب تحلیلی
۴	جامعه و نمونه	جامعهٔ آماری، روش نمونه‌گیری، تعداد نمونه‌ها
۵	رویکرد نظری	ماهیت، شکل طرح
۶	چارچوب شاخص‌سازی	مبنای طبقه‌بندی، محتوا، تعداد مؤلفه‌های سنجش، تعداد شاخص‌های سنجش
۷	متغیر و ابزار تحلیل	نوع متغیرها، مستقل یا وابسته‌بودن متغیر توزیع خدمات شهری، ابزار تحلیل
۸	نتایج	نتایج به تفکیک شهر، وضعیت عناصر عدالت فضایی

بحث و یافته‌ها

در مؤلفهٔ مشخصهٔ مقالات، شش شاخص مورد نظر شامل تعداد نویسندگان، نام نویسندگان، فصل و سال انتشار، نوع مجله، و تعداد صفحات در ۱۶ مقالهٔ منتخب بررسی و کدگذاری شد. در جمع‌بندی حاصل از این کدگذاری، که بیشتر جنبهٔ توصیفی دارد، چهار شاخص دارای قابلیت تحلیل طبقه‌بندی و شمارش شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که در همهٔ مقالات، دو و بیشتر از دو محقق و در بیش از دوسوم مقالات سه محقق کار پژوهش را انجام داده‌اند. همچنین، جمع‌بندی سال نشر مقالات نیز نشان از افزایش شمار مقالات در حوزهٔ عدالت فضایی از سال ۱۳۸۹ به بعد دارد. در جدول ۳، جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی نمایش داده شده است.

جدول ۳. جمع‌بندی مشخصه‌ها

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
۱	تعداد نویسندگان	۲ نفر	۵	۳۱
		۳ نفر	۱۱	۶۹
		کمتر از ۱۵	۳	۱۹
۲	تعداد صفحات	بین ۱۵ تا ۱۹	۷	۴۴
		بین ۲۰ تا ۲۴	۴	۲۵
		۲۵ و بیشتر	۲	۱۲
۳	نوع مجله	علمی- پژوهشی	۱۶	۱۰۰
		غیرعلمی- پژوهشی	۰	۰
۴	سال نشر	۸۸ و ما قبل	۴	۲۵
		۸۹ تا ۹۱	۶	۳۷٫۵
		۹۲ و ما بعد	۶	۳۷٫۵

در مؤلفه روش‌شناسی مقالات، پنج شاخص مورد نظر شامل نوع پژوهش، هدف، فن گردآوری داده، وجود و میزان روایی و پایایی در ۱۶ مقاله منتخب بررسی و کدگذاری شد. در جمع‌بندی حاصل از این کدگذاری، که جنبه توصیفی و تحلیلی دارد، نتایج حاکی از آن است که اگرچه نیمی از مقالات نوع پژوهش خود را در روش‌شناسی تصریح نکرده‌اند، روش عمده مقالات از نوع کاربردی بوده و هدف همه آن‌ها ارائه توصیف و تحلیل توأمان از عدالت فضایی در یک منطقه مکانی خاصی است. در فنون گردآوری داده نیز نزدیک به ۶۰ درصد از مقالات از روش اسنادی استفاده کرده‌اند. همچنین، به لحاظ وجود روایی و پایایی روش‌های مورد استفاده، هیچ یک از مقالات نسبت به اعتبارسنجی و اطمینان‌سنجی از روش‌های خود اقدام نکرده‌اند که نکته‌ای قابل تأمل است. در جدول ۴ جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی نمایش داده شده است.

جدول ۴. جمع‌بندی روش‌شناسی‌ها

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
۱	نوع پژوهش	کاربردی	۵	۳۱
		توسعه‌ای	۲	۱۲٫۵
		کاربردی- توسعه‌ای	۱	۶٫۵
۲	هدف پژوهش	نامشخص	۸	۵۰
		توصیفی- تحلیلی	۱۶	۱۰۰
		سایر	۰	۰
۳	فن گردآوری داده	اسنادی	۶	۳۷٫۵
		اسنادی- مشاهده میدانی	۲	۱۲٫۵
		اسنادی- پرسش‌نامه‌ای	۲	۱۲٫۵
۴	وجود روایی	نامشخص	۶	۳۷٫۵
		دارد	۰	۰
		ندارد	۱۶	۱۰۰
۵	وجود پایایی	دارد	۰	۰
		ندارد	۱۶	۱۰۰
۶	میزان روایی	---	---	---
۷	میزان پایایی	---	---	---

در مؤلفه چارچوب تحقیق مقالات، سه شاخص مورد نظر شامل وجود فرضیه، سؤال، و چارچوب تحلیلی در ۱۶ مقاله منتخب بررسی و کدگذاری شد. در جمع‌بندی حاصل از این کدگذاری، که جنبه توصیفی و تحلیلی دارد، نتایج حاکی از آن است که ۸۱ درصد از مقالات فاقد سؤال مشخص و حدود دوسوم از آن‌ها فاقد فرضیه‌ای روشن بوده و به ذکر هدف مقاله بسنده کرده‌اند. در شاخص وجود چارچوبی برای تحلیل نیز کمتر از یک‌سوم از مقالات به چارچوب و ساختار معینی برای تحلیل یافته‌های خود تصریح کرده‌اند. جدول ۵ جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی را نمایش داده است.

جدول ۵. جمع‌بندی چارچوب‌های تحقیق

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
۱	فرضیه	دارد	۶	۳۷٫۵
		ندارد	۱۰	۶۲٫۵
۲	سؤال	دارد	۳	۱۹
		ندارد	۱۳	۸۱
۳	چارچوب تحلیلی	دارد	۵	۳۱
		ندارد	۱۱	۶۹

در مؤلفه جامعه و نمونه آماری مقالات، سه شاخص مورد نظر شامل وجود جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، و تعداد نمونه‌ها در ۱۶ مقاله منتخب بررسی و کدگذاری شد. در جمع‌بندی حاصل از این کدگذاری، که جنبه توصیفی و تحلیلی دارد، نتایج حاکی از آن است که اگرچه جامعه آماری مورد نظر در پژوهش‌های سنجش عدالت فضایی واحدهای قلمرویی تعیین‌شده‌ای از محدوده مکانی مشخص هستند، ۵۶ درصد از مقالات به جامعه آماری مورد بررسی خود اشاره‌ای نکرده‌اند. به تبعیت از این موضوع، فقط یک مقاله دارای روش نمونه‌گیری بوده است که این مورد نیز از پیمایش میدانی و تکثیر پرسش‌نامه ناشی می‌شود. جدول ۶ جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی را نمایش داده است.

جدول ۶. جمع‌بندی جوامع و نمونه‌های آماری

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
۱	جامعه آماری	دارد	۷	۴۴
		ندارد	۹	۵۶
۲	روش نمونه‌گیری	دارد	۱	۶
		ندارد	۱۵	۹۴
۳	تعداد نمونه‌ها	۲۱۰	۱	۶
		ندارد	۱۵	۹۴

در مؤلفه رویکرد نظری مقالات، دو شاخص مورد نظر، یعنی ماهیت رویکرد و شکل طرح رویکرد، در ۱۶ مقاله منتخب بررسی و کدگذاری شد. در جمع‌بندی حاصل از این کدگذاری، که جنبه عمدتاً تحلیلی دارد، نتایج حاکی از آن است که استفاده از رویکرد ترکیبی در سنجش عدالت فضایی شهرها بر دو رویکرد کیفیت زندگی و توسعه پایدار غلبه دارد. اگرچه ۴۴ درصد از مقالات رویکرد مطلوب خود را صراحتاً و به طور مشخص بیان نکرده‌اند، تفاوت استفاده از

رویکردهای توسعه پایدار، کیفیت زندگی، و ترکیبی قابل تشخیص است. جدول ۷، جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی را نمایش داده است.

جدول ۷. جمع‌بندی رویکردهای نظری

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
۱	ماهیت	توسعه پایدار	۴	۲۵
		کیفیت زندگی	۴	۲۵
		توسعه به‌مثابه کیفیت زندگی	۷	۴۴
		نامشخص	۱	۶
۲	شکل طرح	تصریح شده	۸	۵۰
		تصریح نشده	۷	۴۴
		نامشخص	۱	۶

در مؤلفه چارچوب شاخص‌سازی مقالات، سه شاخص مورد نظر شامل مبنای طبقه‌بندی، تعداد مؤلفه‌ها، و تعداد شاخص‌ها در مقالات منتخب بررسی و کدگذاری شد. نتایج حاصل از جمع‌بندی این کدگذاری حاکی از آن است که نیمی از شاخص‌سازی‌ها فاقد مبنای روشنی هستند و یک‌چهارم از آن‌ها نیز بر مبنای کاربری اراضی تدوین شده‌اند. همچنین، نزدیک به ۷۰ درصد از مقالات برای تدوین شاخص از مؤلفه مشخصی استفاده نکرده‌اند. تعداد شاخص‌های مورد استفاده برای بررسی عدالت فضایی در پژوهش‌ها نیز بین ۹ تا ۳۵ شاخص متغیر است. جدول ۸ جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی را نمایش داده است.

جدول ۸. جمع‌بندی چارچوب‌های شاخص‌سازی

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
۱	مبنای طبقه‌بندی	شاخص آماده (ویلیامسون)	۲	۱۲٫۵
		کاربری زمین	۴	۲۵
		تحلیل عاملی	۲	۱۲٫۵
		نامشخص	۸	۵۰
۲	تعداد مؤلفه‌ها	۶ و کمتر	۳	۱۸٫۵
		۷ و بیشتر	۲	۱۲٫۵
		ندارد	۱۱	۶۹
		۱۲ و کمتر	۶	۳۷٫۵
۳	تعداد شاخص‌ها	بین ۱۳ تا ۲۰	۴	۲۵
		۲۱ و بیشتر	۵	۳۱٫۵
		ندارد	۱	۶

در مؤلفه متغیر و ابزار تحلیل مورد استفاده در مقالات، سه شاخص متغیرهای همبسته، مستقل، یا وابسته بودن متغیر پراکنش خدمات شهری و ابزار تحلیل در مقالات منتخب بررسی و کدگذاری شد. نتایج حاصل از جمع‌بندی این کدگذاری حاکی از آن است که همبستگی شش متغیر با متغیر خدمات شهری ارزیابی شده که در این میان نیمی از مقالات رابطه توزیع جمعیت را با پراکنش خدمات ارزیابی کرده‌اند. همچنین، استقلال یا وابستگی متغیر توزیع خدمات شهری در ۵۶ درصد از مقالات نامشخص بوده است. در شاخص ابزارهای تحلیل نیز از ۱۶ تکنیک مجزا برای تجزیه و

تحلیل داده‌های مورد نظر در مقالات استفاده شده که در این میان بیشترین فراوانی مربوط به چهار تکنیک^۱ AHP، تاپسیس، ضریب آنتروپی، و ضریب تغییرات است. همچنین، در ۴۴ درصد از مقالات از این تکنیک‌ها برای تحلیل اطلاعات استفاده شده است. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر فقدان ابزارهای تحلیل کیفی در مقالات است، به گونه‌ای که همه تکنیک‌های استفاده‌شده در تحقیقات مورد بررسی از نوع کمی هستند. جدول ۹ جزئیات این تجزیه و طبقه‌بندی را نمایش داده است.

جدول ۹. جمع‌بندی متغیرها و ابزارهای تحلیل

ردیف	شاخص‌ها	کُد	کمیت	
			فراوانی	درصد
		توزیع جمعیت	۸	۵۰
		دسترسی به خدمات	۳	۱۹
		توسعه شهری	۱	۶
۱	متغیرهای همبسته	سطح اجتماعی و اقتصادی شهروندان	۱	۶
		مشارکت اجتماعی	۱	۶
		رضایت شهروندی	۱	۶
		ندارد	۵	۳۱
		مستقل	۳	۱۹
۲	مستقل یا وابسته بودن متغیر پراکنش خدمات شهری	وابسته	۴	۲۵
		نامشخص	۹	۵۶
		ضریب آنتروپی و تغییرات رگرسیون و Z-SCORE	۷	۴۴
		ضریب ویلیامسون و موریس	۴	۲۵
۳	ابزار تحلیل	AHP و تاپسیس	۷	۴۴
		تحلیل عاملی و ضریب پراکندگی	۴	۲۵
		پیرسون و اسپیرمن	۶	۳۷٫۵
		تاکسونومی و ویکور	۲	۱۲٫۵
		ضریب گری و موران	۲	۱۲٫۵

در مؤلفه آخر، یعنی نتایج مقالات، نتایج حاصل بر مبنای شهر و عناصر مورد اشاره از عدالت فضایی در مجموعه مقالات تجزیه شده‌اند. مطابق با جدول ۱۰، که نتایج و جمع‌بندی این کدگذاری را نشان می‌دهد، در دو عنصر توزیع جمعیت و سرانه خدمات در ۱۲ شهر مورد بررسی، پنج شهر نامتعادل و یک شهر متعادل بوده‌اند. شش شهر نیز به تبیین وضعیت این عنصر نپرداخته‌اند. در عنصر توزیع خدمات شهری، ۱۱ شهر در وضعیت نامتعادل و یک شهر در وضعیت متعادل قرار دارند. عنصر دسترسی به خدمات نیز فقط در مورد سه شهر بررسی شده است که نتایج هیچ یک بر وجود تعادل و تناسب در دسترسی مردم به خدمات شهری گواهی نمی‌دهد.

جدول ۱۰. جمع‌بندی تجزیه و تحلیل مقالات به تفکیک شهر و ابعاد عدالت فضایی

عناصر عدالت فضایی				شهر	ردیف
دسترسی به خدمات	سرنانه خدمات	توزیع خدمات	توزیع جمعیت		
اشاره نشده	نامتعادل	نامتعادل	نامتعادل	اصفهان	۱
اشاره نشده	اشاره نشده	نامتعادل	اشاره نشده	زاهدان	۲
نامتعادل	اشاره نشده	نامتعادل	اشاره نشده	همدان	۳
نامتعادل	اشاره نشده	نامتعادل	نامتعادل	یاسوج	۴
اشاره نشده	متعادل	نامتعادل	نامتعادل	مشهد	۵
اشاره نشده	اشاره نشده	نامتعادل	اشاره نشده	بابلسر	۶
اشاره نشده	اشاره نشده	نامتعادل	نامتعادل	یزد	۷
نامتعادل	نامتعادل	نامتعادل	اشاره نشده	تهران	۸
اشاره نشده	نامتعادل	نامتعادل	اشاره نشده	اسفراین	۹
اشاره نشده	نامتعادل	نامتعادل	نامتعادل	میبد	۱۰
اشاره نشده	اشاره نشده	متعادل	متعادل	مرند	۱۱
اشاره نشده	نامتعادل	نامتعادل	اشاره نشده	نورآباد ممسنی	۱۲
۹	۶	۰	۶	اشاره نشده	
۰	۱	۱	۱	متعادل	مجموع
۳	۵	۱۱	۵	نامتعادل	

مجموع یافته‌های یادشده را می‌توان در قالب هفت محور و در چارچوب مرحله پنجم روش فراتحلیل مورد بحث و ترکیب قرار داد. این محورها عبارت‌اند از:

افزایش شمار مقالات حوزه عدالت فضایی از سال ۱۳۸۹ به بعد و تعدد نویسندگان هر مقاله

بر مبنای نتایج حاصل از تجزیه مقالات، ۷۵ درصد از تحقیقات صورت گرفته در موضوع عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در شهرهای ایران، پس از سال ۱۳۸۹ صورت گرفته است. دلیل این امر را می‌توان در دو عامل یافت: اول توسعه و فراگیری علوم جدید شهری از جمله جامعه‌شناسی شهری، برنامه‌ریزی شهری، و مدیریت شهری در دانشگاه‌های ایران؛ دوم، اثرهای سوء ناشی از توسعه بی برنامه و گسترش افقی و عمودی شهرهای ایران با شهرفروشی، به دلیل تأمین منابع مالی برای شهرداری‌ها. مورد دوم نقش‌کنشی و مورد اول نقش واکنشی را در تحلیل این موضوع داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از یک سو با غنی شدن علوم شهری در ایران آسیب‌ها و کاستی‌های حوزه شهر به شکل گسترده‌تر و دقیق‌تری در معرض دید خبرگان و متخصصان این حوزه قرار گرفته و از سوی دیگر مشکلات عدیده شهرداری‌ها در تأمین منابع مالی و روی‌آوری به روش‌های ناپایدار درآمدی از قبیل عوارض کمیسیون ماده ۱۰۰، تغییر کاربری اراضی و فروش تراکم مازاد و متعاقباً ایجاد آسیب‌های ناشی از آن توان بالقوه آکادمیک بالفعل شده و این موضوع را در قالب سنجش عدالت فضایی- و احتمالاً موضوعات مشابه دیگر- مورد بررسی قرار داده است. به عبارت بهتر، حجم زیاد تحقیقات در شش سال اخیر حاکی از نیاز نظام شهری به بررسی وضعیت عدالت فضایی بوده است. اگرچه صرف افزایش نرخ انجام تحقیقات نمی‌تواند تعیین‌کننده مطلوبیت باشد، با توجه به توصیف شرایط عدالت فضایی در شهرها بر مبنای روش‌های علمی و مستند، یقیناً درآمدی بر حل معضلات حوزه مربوطه قلمداد می‌شود. همچنین، فعالیت سه پژوهشگر برجسته در بیشتر از ۶۰ درصد مقالات مورد بررسی و مقایسه آن با میانگین تعداد نویسندگان در

پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی حاکی از آن است که انجام‌دادن تحقیق علمی در مورد عدالت فضایی در زمرهٔ فعالیت‌های دشوار پژوهشی است.

کاربردی بودن نوع مقالات و کمی بودن روش‌های مورد استفاده در آن‌ها

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از تجزیهٔ مقالات، فارغ از اینکه نیمی از آن‌ها نسبت به نوع پژوهش خود اظهار نکرده‌اند، در قریب به ۴۰ درصد از مقالات تصریح شده که از نوع کاربردی‌اند. این امر اگرچه به جهت اینکه این سبک از پژوهش بیشتر به واسطهٔ مطالعهٔ موردی مشخصی صورت می‌گیرد تا حدی بدیهی است، هنگامی که با واقعیت کمی بودن روش در ۱۰۰ درصد مقالات ترکیب می‌شود انگارهٔ سهل‌اندیشی در تهیه و تنظیم مقالات را قوت می‌بخشد. زیرا پژوهش‌های کمی اگرچه می‌توانند کاربردی باشند، عمدتاً بر مبنای استفاده از قیاس صرفاً درصدد اثبات نظریات ازپیش‌تیین شده در محدودهٔ مورد مطالعهٔ خود هستند نه کشف گزاره‌های نظری جدید (هولستی، ۱۳۷۳).

عدم سنجش روایی و پایایی در روش‌های به‌کارگرفته‌شده در مقالات

وجود روایی یا اعتبار مناسب در روش‌شناسی هر مقاله مظهر تأییدی است بر اینکه روش مورد استفاده در مقاله برای اندازه‌گیری متغیر مورد نظر دقیقاً همان متغیر را سنجش می‌کند نه چیز دیگری. پایایی یا اطمینان به روش نیز دلالت بر دقت روش مورد استفاده در سنجش متغیرهای تحقیق دارد. فقدان حتی یک مورد اندازه‌گیری یا اشاره به روایی و پایایی چارچوب شناخت وضعیت عدالت فضایی در مقالات مورد بررسی اولاً نشان از تکراری یا تقلیدی بودن روش‌های مورد استفاده که تماماً کمی هستند دارد؛ ثانیاً نتایج به‌دست‌آمده در مقالات را با تشکیک مواجه می‌کند.

فقدان معنادار پرسش و چارچوب تحلیلی در مقالات مورد بررسی

وجود پرسش یا فرضیه در هر پژوهشی نقش مبنایی داشته و ضمن معطوف کردن اقدامات محققان به سرانجام و هدف پژوهش عاملی برای سنجش درستی فعالیت‌های تحقیق در سرتاسر مراحل آن محسوب می‌شود (شریف‌زادگان و ندایی طوسی، ۱۳۹۴). سهم ۸۱ درصدی در فقدان پرسش مشخص و ۶۳ درصدی در فقدان فرضیهٔ روشن می‌تواند نشانهٔ دیگری از ساده‌انگاری نسبت به موضوع سنجش عدالت فضایی و چه بسا تقلید در انجام پژوهش‌های عدالت فضایی در ایران باشد. فقدان چارچوب تحلیلی مشخص در نزدیک به ۷۰ درصد مقالات شاهد دیگری بر این مدعاست. اگرچه سنجش کمی عدالت فضایی در یک موقعیت مکانی معین می‌تواند با اجرای یک ساختار از پیش آماده‌شده هم صورت گیرد، وجود یک چارچوب تحلیلی مشخص بر مبنای ویژگی‌های منبعث از هویت محدودۀ مورد مطالعه سندی بر توسعهٔ تحقیقاتی و عدم تقلید صرف است که در مقالات بررسی‌شده کمتر بدان توجه شده است.

فراوانی رویکرد نظری ترکیبی و عدم صراحت در نیمی از رویکردها

نتایج بررسی محتوای نظری مقالات منتخب نشان می‌دهد که اگرچه توسعهٔ پایدار، که امروزه یکی از موضوعات اصلی مورد بحث در محافل توسعه و برنامه‌ریزی است، برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است (حسین‌زاده دلیر و ساسان‌پور، ۱۳۸۵: ۸۶) و مطالعات عدالت فضایی با رویکرد کیفیت زندگی تحقق عدالت فضایی را لازمهٔ ارتقای کیفیت زندگی شهری می‌دانند، دستیابی به توزیع عادلانهٔ خدمات شهری برای تخصیص عادلانهٔ هزینه‌های اجتماعی و برابری استفاده از ظرفیت‌های محلی بن‌مایهٔ مفهوم عدالت فضایی و حلقهٔ اصلی است میان عدالت اجتماعی، شهر و مدیریت شهری. اینکه کم و کیف توزیع و تخصیص منابع در شهر باید بر مبنای چه معیارهایی صورت پذیرد موضوعی است که عمدهٔ

صاحب‌نظران بر آن اشتراک نظر دارند. از همین رو ۴۴ درصد از مقالات بررسی شده بر مبنای رویکرد ترکیبی به سنجش عدالت فضایی پرداخته‌اند. با وجود این، عدم تصریح رویکرد در همین میزان از مقالات می‌تواند نشان از ضعف در انسجام تئوریک مفهوم‌پردازی در باب عدالت فضایی شهری در ایران داشته باشد.

ضعف مبنایی در طبقه‌بندی معیارها و شاخص‌ها

اینکه سازه شاخص‌های استفاده‌شده در بررسی مقالات از چه مبنایی ناشی شده و بر چه پایه‌ای متکی است با میزان روایی و پایایی تجزیه و تحلیل و استنتاج هر پژوهشی رابطه مستقیم دارد و بسیار حائز اهمیت است. عدم اشاره روشن و مشخص به مبنای طبقه‌بندی شاخص‌های انتخابی در ۵۰ درصد از مقالات مورد بررسی حاکی از ضعف استنادی مجموعه مقالات در ارائه شاخص‌ها و معیارهای متقن است. سایر مقالات که در آن‌ها از شاخص‌های مستند برای تحقیق استفاده شده است، نیز عمدتاً به مبنای کاربری زمین محدود شده‌اند. با این حال، استفاده از شاخص ویلیامسون و همین‌طور تحلیل عاملی برای شاخص‌سازی‌ها، که مجموعاً ۲۵ درصد از مقالات را شامل می‌شود، نشان از وجود پشتوانه علمی قوی در این زمینه دارد.

تکراری بودن معنادار متغیرهای همبسته و ابزار تحلیل

ارزیابی مکرر توزیع جمعیت و بررسی تناسب آن با توزیع خدمات شهری ساده‌ترین فعالیت تحقیقاتی در حوزه عدالت فضایی محسوب می‌شود که در ۵۰ درصد از مقالات مورد نظر این ارزیابی صورت گرفته است. اگرچه دو مقاله نیز به بررسی عناصر دیگری از عدالت فضایی از قبیل قابلیت دسترسی یا حتی متغیرهای مستقل دیگری چون مشارکت شهروندی و سطح اجتماعی و اقتصادی شهروندان نیز پرداخته‌اند، این تنوع اندک برای تضمین اطمینان و اعتبار پژوهش‌های عدالت فضایی در به‌کارگیری خلاقیت و فاعلیت منحصربه‌فرد کافی نیست. این موضوع در قبال ابزارهای تحلیل به‌کاررفته نیز صادق است. استفاده از ابزارهای تحلیل کمی اگرچه تا حدی با ماهیت موضوع و مطالعات موردی تطابق دارد، عدم مشاهده حتی یک مورد ابزار تحلیل کیفی در مقالات نهایتاً بر استدلال مطروحه در مورد خلاقیت، عاملیت منحصربه‌فرد، و تقلیدی بودن مقالات صحنه می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا با تجزیه و تحلیل مجموعه منتخبی از مقالات منتشرشده در مجلات علمی-پژوهشی داخلی توصیف وضعیت عدالت فضایی شهری در برخورداری از خدمات شهری در شهرهای ایران به‌عنوان هدف مقاله مورد پژوهش قرار گیرد. در این راستا، با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا در تجزیه و فراتحلیل در ترکیب، یافتن پاسخ برای ۱ پرسش اصلی و ۳ پرسش فرعی مد نظر بوده است.

در پاسخ به اولین پرسش فرعی مبنی بر اینکه طبقه‌بندی روش‌شناسی، جامعه آماری، و نمونه‌های مورد بررسی در تحقیقات صورت‌گرفته در موضوع عدالت فضایی در برخورداری از خدمات در شهرهای ایران چه نتایجی را تبیین می‌کند، یافته‌ها حکایت از آن دارد که همه مقالات مورد بررسی از ساختار روش‌شناسی کمی استفاده کرده و هیچ کدام از آن‌ها به روایی و پایایی روش‌های به‌کارگرفته‌شده در مقالات خود اشاره نکرده‌اند.

در پاسخ به پرسش فرعی دوم با این مضمون که طبقه‌بندی چارچوب، رویکرد نظری، و شاخص‌های مورد بررسی در تحقیقات صورت‌گرفته در موضوع عدالت فضایی در برخورداری از خدمات در شهرهای ایران چه نتایجی را بازگو می‌کند، یافته‌ها و تحلیل‌های مطروحه گویای آن است که اگرچه تحقیقات عمدتاً به استفاده از رویکرد نظری ترکیبی روی

آورده‌اند، عدم صراحت در تشریح آن و همچنین فقدان چارچوب‌های تحلیلی مشخص و فقدان مبنای روشن برای تنظیم ساختار شاخص‌سازی در مجموعه مقالات نشان از نبود عاملیت منحصربه‌فرد گاهی سهل‌اندیشی در تحقیق، خروجی‌های واحد با ساختاری مشابه و تقلیدی، و نهایتاً کاهش اعتبار استناد به محتوا و نتایج مقالات دارد.

در پاسخ به سومین پرسش فرعی با این عنوان که طبقه‌بندی متغیرها و ابزارهای تحلیل مورد استفاده در تحقیقات صورت گرفته در موضوع عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در شهرهای ایران چه نتایجی را تبیین می‌کند، فارغ از اینکه عدم تصریح در بازگ کردن متغیرهای مستقل و وابسته باعث بروز ایراد جدی در کدگذاری مقالات شده، یافته‌ها و تحلیل آن حاکی از آن است که نوآوری اندکی در سنجش متغیرهای همبسته متنوع و بدیع با متغیر اصلی- یعنی توزیع خدمات شهری- وجود دارد و متغیر توزیع جمعیت به‌عنوان ساده‌ترین متغیر در نیمی از تحقیقات ارزیابی شده است. همچنین، به دلیل کمی بودن ساختار روش‌شناسی همه تحقیقات، ابزارهای تحلیلی مورد استفاده نیز تماماً کمی بوده و اگرچه از تنوع مطلوبی برخوردارند، به شاخص‌های تفسیرناپذیر و محضی تبدیل شده‌اند که توانایی تبیین و تحلیل عمیق وضعیت عدالت فضایی را از مقالات گرفته‌اند.

و نهایتاً در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق که بر مبنای تجزیه و تحلیل نتایج مجموعه تحقیقات داخلی منتشره عدالت فضایی در برخورداری از خدمات شهری در ایران از چه وضعیتی برخوردار است، جمیع استدلال‌های مندرج در موارد هفتگانه بحث و تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد این گزاره که شهرهای ایران با عدم تعادل فضایی آشکاری مواجه‌اند قابل استناد نیست.

فقدان جامعیت در سنجش تمامی عناصر عدالت فضایی، عدم بررسی عناصر به‌روز در این حوزه، عدم استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، فقدان خلاقیت و عاملیت منحصربه‌فرد در تهیه و تنظیم مقالات، تقلید یک قالب ثابت در اکثریت آن‌ها، و نهایتاً فقدان مطالعات تطبیقی در خصوص مقایسه عدالت فضایی شهری در شهرهای ایران و سایر شهرهای متناظر در جهان استناد به نتایج پژوهش‌های عدالت فضایی شهری در ایران را با تشکیک مواجه کرده است. بر این اساس و به‌منظور بهبود مطلوبیت پژوهش‌های آتی حوزه عدالت فضایی شهری در کشور در وهله اول پیشنهاد می‌شود ساختار ابعاد، مؤلفه‌ها، معیارها، و شاخص‌های سنجش عدالت فضایی در هر دو ساحت کمی و کیفی به‌عنوان شالوده و زیربنای پژوهش‌های سنجش عدالت فضایی مورد مطالعه عمیق و منتج به ارائه مدل‌های جدید توسط پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه عدالت فضایی قرار گیرد. در وهله دوم پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی با سایر شهرهای جهان در خصوص سنجش عدالت فضایی به‌ویژه از حیث روش‌شناختی و شیوه تجزیه و ترکیب داده‌ها و اطلاعات به صورت ویژه مورد تأکید پژوهشگران قرار گیرد.

سپاسگزاری

در خاتمه، نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی و سپاس خالصانه خود را از کلیه پژوهشگرانی که با تحقیقات متنوع در زمینه عدالت فضایی شهری در ایران موجبات انجام‌دادن پژوهشی با رویکرد فرتحلیل در عدالت فضایی شهری را فراهم کرده‌اند ابراز می‌دارند.

منابع

۱. اطهری، کمال، ۱۳۸۱، عدالت در فضا، مجله هفت شهر، دوره ۱، ش ۹ و ۱۰، صص ۲۵-۳۲.
۲. افروغ، عماد، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۳. حاتمی‌نژاد، حسین؛ فرهودی، رحمت‌الله و محمدپور جابری، مرتضی، ۱۳۸۷، تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری؛ مورد مطالعه شهر اسفراین، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۰، ش ۶۵، صص ۷۱-۸۵.
۴. حیدری چپانه، رحیم؛ علیزاده زنوزی، شاهین و عیوضلو، داوود، ۱۳۹۳، تحلیلی بر توزیع جمعیت و دسترسی به خدمات شهری در شهر مرند مبتنی بر رویکردی عدالت‌محور، فصل‌نامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دوره ۲، ش ۷، صص ۱۱-۲۷.
۵. خاکپور، براتعلی و باوان پوری، علیرضا، ۱۳۸۸، بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد، مجله دانش و توسعه، دوره ۱۶، ش ۲۷، صص ۱۸۲-۲۰۲.
۶. داداش‌پور، هاشم و رستمی، فرامرز، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی؛ مطالعه موردی شهر یاسوج، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۹، ش ۱۶، صص ۱۷۱-۱۹۸.
۷. داداش‌پور، هاشم؛ رستمی، فرامرز و علیزاده، بهرام، ۱۳۹۳، بررسی و تحلیل توزیع عادلانه خدمات شهری و الگوی پراکنش فضایی آن‌ها در شهر همدان، فصل‌نامه مطالعات شهری، دوره ۳، ش ۱۲، صص ۵-۱۸.
۸. ذاکریان، ملیحه؛ موسوی، میرنجف و کشکولی، علی‌باقر، ۱۳۸۹، تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، ش ۲، صص ۶۱-۸۴.
۹. زیاری، کرامت‌الله؛ مهدیان بهنمیری، معصومه و مهدی، علی، ۱۳۹۲، بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابل، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۳، ش ۲۸، صص ۲۱۷-۲۴۱.
۱۰. شارع‌پور، محمود، ۱۳۹۱، جامعه‌شناسی شهری، ج ۵، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۱. شریف‌زادگان، محمدحسین و ندایی طوسی، سحر، ۱۳۹۴، روش‌های پژوهش کیفی در برنامه‌ریزی توسعه با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. شفیعا، سعید؛ شفیعا، محمدعلی و کاظمیان، غلامرضا، ۱۳۹۲، فراتحلیل روش و نتایج پژوهش‌های کیفیت زندگی شهری در ایران، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۴، ش ۵۰، صص ۲۱-۴۰.
۱۳. شمس‌الدینی، علی و امیری فهلیانی، محمدرضا، ۱۳۹۴، رتبه‌بندی مکانی خدمات عمومی و کمبود آن‌ها در سطح شهرها؛ مطالعه موردی شهر نورآباد ممسنی، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۳، ش ۱۲، صص ۱۱۹-۱۳۵.
۱۴. صدیق سروستانی، رحمت‌الله، ۱۳۷۹، فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، ش ۱۱۶۳، صص ۶۳-۱۰۳.
۱۵. ضرابی، اصغر و موسوی، میرنجف، ۱۳۸۹، تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۵، ش ۹۷، صص ۲۷-۴۶.
۱۶. ضرابی، اصغر؛ ایزدی، ملیحه و ابوالحسنی، فرحناز، ۱۳۹۱، تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص‌های فرهنگی، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۷، ش ۱۰۶، صص ۴۵-۶۵.
۱۷. قاضی طباطبایی، محمود و ودادهیر، ابوعلی، ۱۳۸۹، فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۸. کریمیان بستانی، مریم و رجبی، آرزیتا، ۱۳۸۹، تحلیل عدالت اجتماعی در شهر با تأکید بر نابرابری‌های آموزشی؛ موردشناسی شهر زاهدان، فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۷، ش ۲۶، صص ۹۱-۱۰۲.
۱۹. ماسگریو، ریچارد و ماسگریو، پگی، ۱۳۷۲، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی‌فر، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
۲۰. مستوفی‌الممالکی، رضا؛ بسطامی‌نیا، امیر و تازش، یوسف، ۱۳۹۲، بررسی و تحلیل توسعه تسهیلات شهری از دیدگاه عدالت فضایی؛ مطالعه موردی شهر یاسوج، فصل‌نامه جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۲، ش ۶، صص ۷-۱۶.
۲۱. میرزایی، جهان‌بین؛ احمدی، سجاد و لرستانی، اکبر، ۱۳۹۴، تحلیل فضایی سطوح برخورداری مناطق کلان‌شهر تهران از منظر اقتصاد شهری، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۳، ش ۱۱، صص ۵۹-۷۷.

۲۲. نسترن، مهین؛ ابوالحسنی، فرحناز و ایزدی، ملیحه، ۱۳۸۹، کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولویت‌بندی توسعه پایدار مناطق شهری؛ مطالعه موردی مناطق شهری اصفهان، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، دوره ۲۱، ش ۳۸، صص ۸۳-۱۰۰.
۲۳. وارثی، حمیدرضا؛ زنگی‌آبادی، علی و غفوری، حسین، ۱۳۸۷، بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی؛ مورد زاهدان، *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۶، ش ۱۱، صص ۱۳۹-۱۵۶.
۲۴. وارثی، حمیدرضا؛ قائد رحمتی، صفدر و باستانی‌فر، ایمان، ۱۳۸۶، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت؛ مطالعه موردی مناطق شهر اصفهان، *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۵، ش ۹، صص ۹۱-۱۰۶.
۲۵. هاروی، دیوید، ۱۳۷۹، *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۲۶. هولستی، آله رادولف، ۱۳۷۳، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
27. Afrough, E., 1998, *Space and social inequality*, 1st Edition, Publications of the Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian)
28. Athari, K., 2002, Justice in Space, *Haft Shahr Magazine*, Vol. 1, No. 9 and 10, PP. 25-32. (In Persian)
29. Dadashpour, H. and Rostami, F., 2011, Investigation and analyze the distribution of urban public services from the perspective of spatial justice; a case study of the city of Yasuj, *Journal of Geography and Regional Development*, Vol. 9, No. 16, PP. 171-198. (In Persian)
30. Dadashpour, H.; Rostami, F. and Alizadeh, B., 2014, Investigation and analyze the fair distribution of urban services and their spatial distribution pattern in Hamadan, *Journal of Urban Studies*, Vol. 3, No. 12, PP. 5-18. (In Persian)
31. Drakakis, S. D., 2000, *Third World Cities*, 2nd Edition, Routledge, London.
32. Ghazi, T. M., and Vadadhir, A., 2010, *Meta-analysis in social and behavioral research*, 1st Edition, Publications of the Sociologists, Tehran. (In Persian)
33. Greer, J., 2002, *Equity in the spatial distribution of urban services*, 1st Edition, Publications of the University of Texas, Dallas.
34. Harvey, D., 2000, *Social justice and the city*, 1st Edition, Translated by: Hesamian, F., and Haeri, M., and Monadizadeh, B., Urban Processing and Planning Company, Tehran.
35. Hataminezhad, H.; Farhoodi, R. and Mohammadpour, J. M., 2008, Analysis of social inequality in urban service uses, studied in Esfarayen, *Journal of Human Geography Research*, Vol. 40, No. 65, PP. 71-85. (In Persian)
36. Heydari, Ch. R.; Alizadeh, Z. Sh. and Eyvazlou, D., 2014, An analysis of population distribution and access to urban services in the city of Marand based on a justice-oriented approach, *Journal of Urban Structure and Functional Studies*, Vol. 2, No. 7, PP. 11-27. (In Persian)
37. Holsti, O. R., 1994, *Content analysis in the social sciences and humanities*, 1st Edition, Translated by: Salarzadeh, A. N., Publications of the Allameh Tabataba'i University, Tehran. (In Persian)
38. Karimian, B. M. and Rajabi, A., 2010, Analysis of social justice in the city with emphasis on educational inequalities; case studies of Zahedan city, *Journal of Land Geographical*, Vol. 7, No. 26, PP. 91-102. (In Persian)
39. Khakpour, B. and Bavanpouri, A., 2009, Investigation and analyze of inequality in developmental areas of Mashhad city, *Journal of Knowledge and Development*, Vol. 16, No. 27, PP. 182-202. (In Persian)
40. Kyushik, O. and Jeong, S., 2007, Assessing the spatial distribution of urban parks using GIS. *Journal of Landscape and Urban Planning*, Vol. 82, No. 1, PP. 32-25.
41. Lasswel, H. D.; Lerner, D. and Pool, S., 1952, *The Comparative Study of Symbols*, Publications of the Stanford University, Stanford.
42. Mahin, N.; Abolhasani, F. and Izadi, M., 2010, Application of TOPSIS technique in the analysis and prioritization of sustainable development of urban areas; a case study of urban areas of Isfahan, *Journal of Geography and Environmental Planning*, Vol. 21, No. 38, PP. 83-100. (In Persian)
43. Martenz, J., 2009, The use of GIS and Indicators to Monitor Intra- Urban Inequalities, A case Study in Rosario, Argentina, *Journal of Habitate International*, Vol. 33, No. 1, PP. 387-396.

44. Masegrio, R. and Masegrio, P., 1993, *Public finance in theory and practice*, 1st Edition, Translated by: Mohammadi, M., and Ebrahimifar, Y., Publications of the country's program and budget organization, Tehran. (In Persian)
45. Mirzaei, J.; Ahmadi, S. and Lorestani, A., 2015, Spatial analysis of levels of metropolitan areas in Tehran from the perspective of urban economics, *Journal of Urban Economics and Management*, Vol. 3, No. 11, PP. 59-77. (In Persian)
46. Mostofialmamaleki, R.; Bastaminia, A. and Tazesh, Y., 2013, Investigation and analyze the development of urban facilities from the perspective of spatial justice; a case study of the city of Yasuj, *Journal of Geography and Environmental Studies*, Vol. 2, No. 6, PP. 7-16. (In Persian)
47. Runciman, W. G., 1966, *Relative Deprivation and Social justice*, 1st Edition, London.
48. Seddigh, S. R., 2000, Meta-analysis of the studies in the field of social pathology in Iran, *Journal of Social Sciences Letter*, Vol. 15, No. 1163, PP. 63-103. (In Persian)
49. Shafeia, S.; Shafeia, M. A. and Kazemian, Gh., 2013, Meta-analysis of methods and results of urban quality of life research in Iran, *Journal of Applied Sociology*, Vol. 24, No. 50, PP. 21-40. (In Persian)
50. Shamsoddini, A. and Amiri, F. M., 2015, Spatial ranking of public services and their shortage in cities; a case study of Noorabad Mamasani city, *Economics and Urban Management*, Vol. 3, No. 12, pp 119-135. (In Persian)
51. Sharepour, M., 2012, *Urban sociology*, 5th Edition, Publications of the Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT), Tehran. (In Persian)
52. Sharifzadegan, M. H. and Nedaei, T. S., 2015, *Qualitative research methods in development planning with emphasis on urban and regional planning*, 1st Edition, Publications of the Shahid Beheshti University, Tehran. (In Persian)
53. Tosun, C., 2001, Challenges of Sustainable Tourism Development in Developing World: the Case of Turkey, *Journal of Tourist Management*, No 22, PP. 289-303.
54. Tsou, K. W.; Hung, Y. T. and Chang, Y. L., 2005, An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities, *Journal of Cities*, Vol. 22, No. 6, PP. 424-435.
55. Varesi, H. and Bastanifar, I., 2007, Investigation the effects of urban service distribution on population spatial imbalance; Case study of Isfahan city areas, *Journal of Geography and Development*, Vol. 5, No. 9, PP. 91-106. (In Persian)
56. Varesi, H.; Zangiabadi, A. and Ghafouri, H., 2008, Comparative Study of the Distribution of Urban Public Services from the Perspective of Social Justice, *Journal of Geography and Development*, Vol. 6, No. 11, PP. 139-156. (In Persian)
57. Zakerian, M.; Mousavi, M. and Kashkouli, A. B., 2010, An analysis of population distribution and distribution of services in Meybod urban areas from the perspective of sustainable development, *Journal of Urban Research and Planning*, Vol. 1, No. 2, PP. 61-84. (In Persian)
58. Zarrabi, A. and Mousavi, M., 2010, Spatial analysis of population distribution and distribution of services in urban areas, *Journal of Geographical Research*, Vol. 25, No. 97, PP. 27-46. (In Persian)
59. Zarrabi, A.; Izadi, M. and Abolhasani, F., 2012, Determining the level of cultural indicators in Isfahan urban areas, *Journal of Geographical Research*, Vol. 27, No. 106, PP. 45-65. (In Persian)
60. Ziari, K.; Mahdian, B. M. and Mahdi, A., 2013, Spatial Justice Assessment of Urban Public Services Based on Population Distribution and Accessibility in Babolsar, *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, Vol. 13, No. 28, PP. 217-241. (In Persian)